



گام برداشتن آخوند خراسانی در مسیر تاسیس فقه سیاسی نوین

آخوند خراسانی از جمله رهبران مشروطه‌خواه است که فصل نویی برای فقه سیاسی شیعه از دیدگاه دگرگونی پارادایمی گشود و فقه سیاسی جدیدی تاسیس کرد.

آخوند خراسانی از جمله رهبران مشروطه‌خواه است که فصل نویی برای فقه سیاسی شیعه از دیدگاه دگرگونی پارادایمی گشود و فقه سیاسی جدیدی تاسیس کرد.

آخوند ملا «محمدکاظم خراسانی» از عالمان بزرگ اسلام است که تمامی فقیهان و مراجع تقلید شیعه در صد سال اخیر، بی‌واسطه یا به واسطه، شاگرد وی بودند و با تعلم و تعلیم مصنفات او و فراگیری آرای او، به مقامات بلند علمی رسیده‌اند. آخوند خراسانی در صحنه سیاست نیز نقش‌هایی بس مهم ایفا کرده است؛ چنان که وقتی محمدعلی شاه مجلس را بمباران کرد و پیشوایان جنبش مشروطه را کشت و به زندان و تبعید فرستاد و حکومت استبدادی را بازگردانید، آخوند خراسانی بود که در خلال مدتی بیش از یک سال، مردم را به مقاومت و قیام در برابر او و پشتیبانی از مجاهدان تبریز در مبارزه با او می‌خواند و این اقدامات در سقوط محمدعلی شاه و بازگشت مشروطه به صحنه سیاست ایران، مهم‌ترین نقش را داشت و ستارخان نیز که پیروزی نظامی آزادی‌خواهان، بیش از هر عاملی مدیون شجاعت و پایمردی او بود، بارها این سخن را بر زبان می‌آورد که «من حکم علمای نجف را اجرا می‌کنم» و علمای نجف نیز در حمایت از مشروطه، همگی پیرو آخوند خراسانی بودند.

در آستانه تاسیس فقه سیاسی جدید شیعه

ماهیت زندگی سیاسی شیعه در دوره غیبت، دو رهیافت اساسی را پیش سر گذاشت. البته هر یک از این دو رهیافت، در روند تکامل خود، نظریه‌ها و راهبردهای گوناگونی را تدارک نمودند؛ اندیشمندان شیعه، به لحاظ دو مبنای ضرورت نظم سیاسی و یا وجوب تقیه دو دیدگاه متفاوت درباره زندگی در عصر غیبت بسط دادند.

نخست؛ برخی متفکران عقیده دارند که زمان غیبت «زمانه تقیه» است. بنابراین، حتی در جایی که «تقیه موردی» وجود ندارد، به لحاظ «تقیه زمانیه» لازم است از هر گونه تلاش در تاسیس نظام سیاسی و اجرای احکام اجتماعی اسلام پرهیز و به زندگی تقیه آمیز در حکومت جائر کفایت کرد.

دوم؛ بعضی دیگر از اندیشمندان شیعه، برخلاف نظریه «تقیه زمانیه» با تکیه بر ضرورت استمرار زندگی عمومی و نظم سیاسی در جستجوی نظام‌های هر چند ناقص، اما مشروع بودند که می‌توان به نظام سیاسی چون «سلطنت مشروعه»، «سلطنت مشروطه» و «ولایت فقیه» اشاره کرد.

جنبش مشروطه‌خواهی در ایران فصل مهمی برای فقه سیاسی شیعه از دیدگاه دگرگونی پارادایمی و تاسیس‌های جدید بوده است. و حاکی از جست‌وجو هوای تازه در سیاست و دولت در جوامع شیعه بود.

بسیاری از اندیشمندان حوزه دین، چنین تغییری را ضروری می‌دیدند و اختلاف آنها در سازوکار این دگرگونی و نگرانی از پیامدهای احتمالی نظم جدید بود. آخوند که خود از پیشتازان این تحول بود، آشکارا این نگرانی خود را در سال 1325 (ه ق) ابراز می‌کند و در مکتوب خود خطاب به مجلس شورای ملی، با اشاره به اوضاع عالم و داخل کشور، می‌نویسد: «والله ملل و دول عالم در این موقع نگران حال مایند تا از این اتفاق ملی و مجلس شورا که آخرین علاج امراض مزمنه مهلکه است چه نتیجه گیریم و چنان چه بعون الله تعالی و حسن تائیده، در این مرحله به طوری که باید قدم برداریم، ان شاء الله از مهالک نجات و با همگنان هم عنان گردیم. و بالعکس، اگر خدای نخواست به هم اغراض شخصیه منظور و جلوگیری باشد، امکان استعدادی خود را باطل و عرض و ناموسمان را بر باد داده و انگشت نمای ملل و دول و مصداق این آیه «وَالَّذِينَ إِذْ أَنْتُمْ لَئِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطِفَكُمْ الْتَّاسُ فَأَوَّكُمُ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَوَزَّقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک و مستضعف بودید می‌ترسیدید مردم شما را بربایند پس [خدا] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد باشد که سپاسگزاری کنید».

(انفال/26) خواهیم بود. (فقه و سیاست در ایران معاصر، داود فیرحی، ص 246)

دامنه قدرت در نظریه آخوند خراسانی

آخوند خراسانی، دامنه قدرت دولت در شیعه را آشکارا به حوزه عمومی می‌راند و محدود می‌کند. به نظر او حتی امام معصوم نیز نمی‌تواند در حوزه خصوصی مردم دخالت نماید. بنابراین، دولت‌های غیر معصوم شیعه به مراتب دامنه اختیار و قدرت‌شان محدودتر است و هرگز در حوزه خصوصی را نخواهد داشت.

آخوند این پرسش را طرح می‌کند که «آیا مردم باید تابع امر و نهی امام به طور مطلق باشند، اگر چه در غیر سیاست و غیر احکام باشد؟» وی به این پرسش پاسخ منفی می‌دهد و می‌گوید: «قدر متقین از آیات و روایات وجوب اطاعت از امام و نبی منحصر به اموری است که از جانب آنان به عنوان نبوت و امامت صادر شده باشد». به هر حال سخن خراسانی هر چند طولانی است تمام اندیشه مکنون در نظریه‌های مشروطه درباره دامنه قدرت دولت را نشان می‌دهد. آخوند خراسانی دامنه قدرت را به مرزهای شریعت و قوانین مصوب مجلس شورای ملی محدود می‌کند و هرگز عنان اختیار را بدست حاکم یا حاکمان نمی‌سپارد. (نظام سیاسی و دولت در اسلام، داوود فیرحی، ص 233)

آخوند خراسانی، تحلیل روشنی از دگرگونی زمانه دارد. دوران جدیدی بر تجدید نظام تفکر و رابطه دین و دولت ارزیابی می‌کند. آخوند البته به چهره ژانوسی دنیای جدید واقف است و این تحول را همزمان آغشته به نوعی فرصت و تهدید می‌داند. بنا به تعبیر آخوند «سیاسیات و عرفیات ایران» در دوره مشروطه مختصات خاصی پیدا کرده است. از یک سوی به اقتضای مدرنیته و چرخش دوران مقتضیات جدیدی در فکر و ذهنیت سیاسی انسان مسلمانان ایرانی ظاهر شده است و از سوی دیگر، چنین اقتضائاتی باری دستگاه شریعت و نظام فقهی - فکری آن در صدر مشروطه هنوز مانوس نمی‌نماید و به آسانی قابل ترجمه نیست.

گره فقه و فلسفه در کفایه الاصول

مهم‌ترین اثر آخوند خراسانی که بیش از صد مجتهد بر آن حاشیه نوشته‌اند، کفایه الاصول است که حاصل تبحر و نوآوری ایشان در فن اصول است. این کتاب در دو جلد و به زبان عربی نوشته شده و بسیار موجز و دقیق است. کفایه گرچه همه کتاب‌هایی را که پیش از خودش در اصول تألیف شده به کلی متروک و منسوخ نکرده است، ولی بیش از همه آنها میان طالبان علم و صاحبان دقت و فضل رواج یافته و مورد استفاده و نظر قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که رسائل شیخ انصاری به عنوان پلی برای رسیدن به کفایه و فهم آن تلقی می‌شود.

امتیاز مرحوم آخوند در مقوله دانش اصول، گره زدن مباحث اصول فقه با مباحث فلسفی است. پیش‌تر در بین شماری دیگر از فقیهان فلسفه‌خوان و فلسفه‌دان، بین مباحث فلسفی و اصولی اختلاطی به وجود آمده بود. اما در اندیشه مرحوم آخوند خراسانی، این تلاقی عمق بیشتری یافت و بسیاری از مباحث فلسفی راهی به سوی اصول فقه پیدا کردند. این پدیده، هم مباحث اصولی را با دشواری مواجه کرد و هم در مواردی به بن‌بست‌هایی جدی منجر شد. این که چنین اختلاطی برای دانش اصول مفید بود و یا مضر، از جمله مباحثی شد که تعدادی از اصولیان درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. و به نقد و بررسی پرداختند.

یادداشت از سیرانوش موسوی